

بِلْهَوَنْهَوَنْ

دفترچه خاطرات جند ۵

عَيْدٌ
فِلَبَّهَايٍ
كُرْمٌ



دفترچه خاطرات جلد ۵

♥ عید قلب‌های گرم ♥



عید قلب‌های گرم





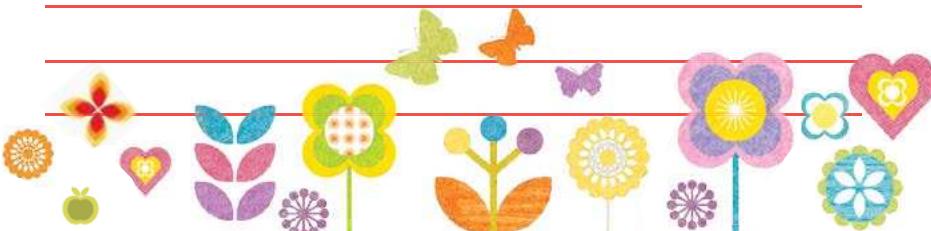
فهرست

| | | |
|----|---|---|
| ۹ | اوا بال قلوبه آمده! | ۱ |
| ۲۱ | بال پر بخ زده | ۲ |
| ۲۷ | کارت تبریک‌ها، آوازها و پری‌های زمستانی | ۳ |
| ۳۴ | کلوچه‌های عید قلب‌های گرم | ۴ |
| ۴۰ | ای بخشکی شانس! | ۵ |
| ۴۸ | ماجراجویی در روز آفتابی | ۶ |
| ۶۰ | عید قلب‌های گرم مبارک! | ۷ |
| ۷۸ | بزن برویم مهمانی!!! | ۸ |

OWL DIARIES #5: WARM HEARTS DAY
Copyright © 2016 by Rebecca Elliott. All rights reserved. Published by arrangement with Scholastic Inc., 557 Broadway, New York, NY 10012, USA

نشر هویا با همکاری آزانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انتشاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا باستن، فرارداد از ناشر آن، Scholastic، خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



♥ اوا بال قُلْنَبَه آمده! ♥

یکشنبه

سلام دفترچه!

اوا بال قُلْنَبَه آمده!

یک هفته‌ی **بال بال انگیز** داریم دوباره! راستی راستی که
الان توی کلهام فقط و فقط به عید فکر می‌کنم.





ژاکت‌های زمستانی

آواز خواندن با صدای بلند



عیدِ قلب‌های گرم
(همین زودی‌ها ازش
برایت می‌گوییم دفترچه‌ها)

هدیه‌دادن



من عاشق این‌ها هستم:

برف



گروه موسیقی برادرم، هامفری

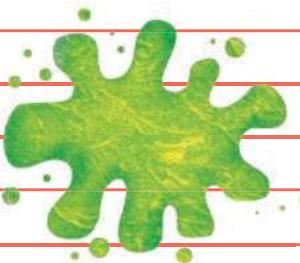
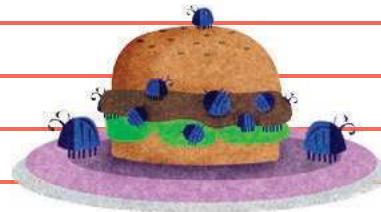


کلمه‌ی قاشق



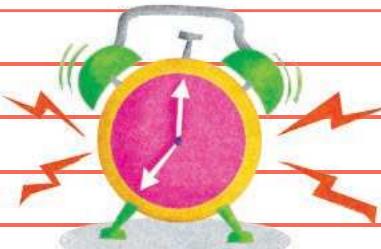
کُلکسیون برگ‌هایم

سوسک برگرهای مامان



کلمه‌ی لکه

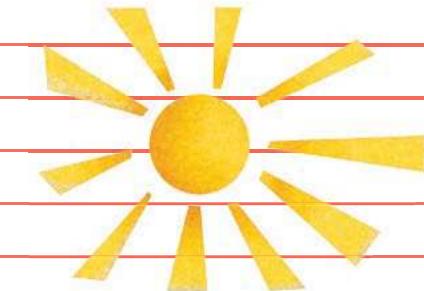
ساعت زنگ‌دار خودم



فراموش کردن چیزها

من عاشق این‌های نیستم:

آفتابِ تابان



اینکه هامفری در نزد
 بیاید توی اتاقم.



خجالت‌کشیدن
 دستپاچه‌شدن



برف پاروکردن

تازه من عاشق بچه خفاش خانگی ام، باکستر، هم هستم.

اینجا لباسِ آدمبرفی پوشیده:



اما من واقعاً عاشق خانواده‌ام هستم!

این هم یک عکس از سورتمه سواری ما:



ما توى لانه درختى هايمان در
جنگل زندگى مى كنیم.



این که جُفَد باشى، خىلى جُفدانگىز است.

ما تمام شب ييدار مى مانيم.

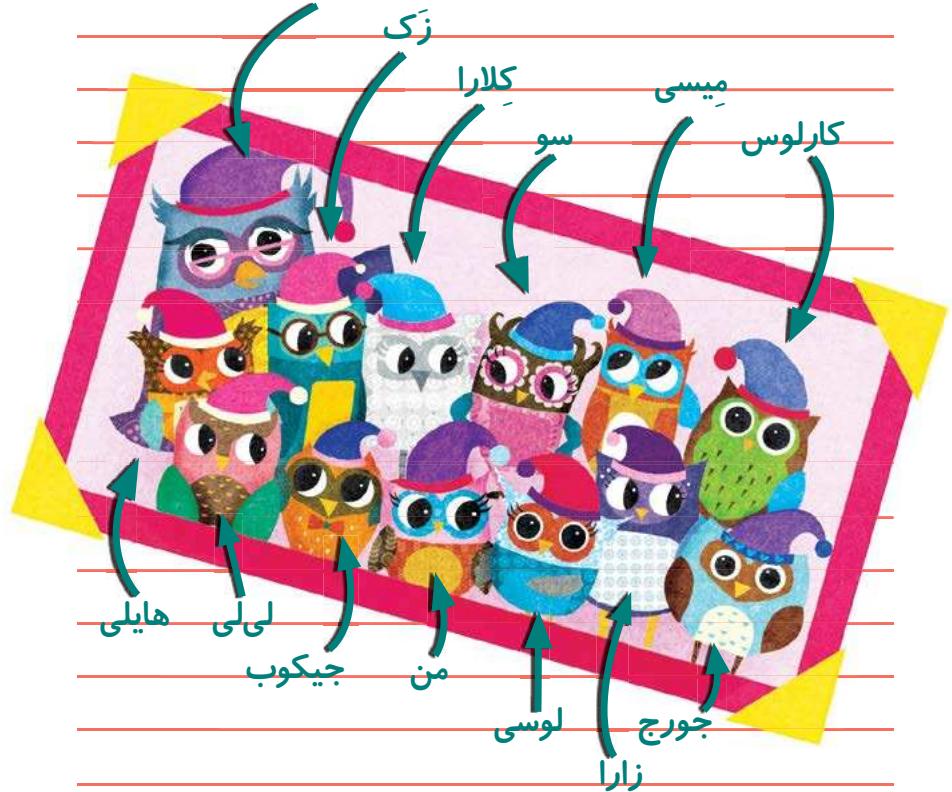


تمام روز هم مى خوابيم.



این هم عکس کلاسمان:

دوشیزه پشت پر پری



آخ خ دفترچه! من هنوز درباره عید قلب های گرم
برایت نگفته ام (چه فراموش کاری ام من!) این یکی از عید های
خیلی خیلی پر پر انگیز توی درختکدهی ماست.

بهترین دوست من، لوسی، در
لانه کناری ما، شماره ۹ زندگی
می کند. ما با **تلفن کاجی هایمان**
با هم حرف می زنیم،
خیلی هم زیاد!



ما هر دو به مدرسه جُفدي بالادرختي
می رویم.

دفترچه خاطرات جعد

از کتاب عید قلب‌های گرم چی فهمیدی؟

معنی واقعی
عید قلب‌های گرم چیست؟

قصه‌ی بال‌رَزَرَی، پری کوچولوی
مهربان، را تعریف کن.

اوچطور با جینگول‌پینگول‌ها،
بال‌کش‌های بافتی و کلوچه‌هایش دیگران را
خوشحال کرد؟

نویسنده‌ی این کتاب کلمه‌های آدمیزادی و کلمه‌های
جعدی را با هم ترکیب کرده و کلمه‌های ترکیبی
جدیدی ساخته است. مثلًا بالبالانگیز و بالکشن. تو هم
می‌توانی این کار را بکنی؟ کدام کلمه‌ی آدمیزادی با
کدام کلمه‌ی جعدی ترکیب شده؟ تو هم برای خودت
ترکیب‌های تازه بساز.

یک لغتنامه‌ی جفدانگیز برای خودت درست کن.
توى دفترچه‌ات از بالا تا پایین تمام کلمه‌های جعدی
او بالقلنبه را بنویس. بعد کنار هر کدام کلمه‌ی
آدمیزادی آن را بنویس. معنی شان را هم اضافه کن.

هوپا مجموعه‌ی دفترچه خاطرات
جعد را منتشر کرده است:



عجبیه که آدمیزاد
کتاب هاش رو نمی خورد!



هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی